

جنبش دانشجویی و دولت اصلاحات (افول قهرمان)

● علی حاجی زاده ●
(دانشجوی دانشگاه امیرکبیر)

چهار سال پس از پیروزی غیرمنتظره‌ی سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری و با وجود بسیاری ناکامی‌ها و امیدهای بریاد رفته، او هنوز هم محبوب‌ترین چهره‌ی سیاسی در دانشگاه‌هاست. اما این محبوبیت، وی را از موج انتقادهای هواداران جوانش دور نمی‌کند. رئیس‌جمهور، هنوز رئیس‌جمهور است، ولی دیگر نه در هیئت یک قهرمان

قبولی مشروط

در آستانه‌ی هشتمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، در شرایطی که از میان ۸۱۴ نفر کاندیدای انتخابات تنها چهره‌ی اصلاح طلبی که از صافی شورای نگهبان گذشته بود سید محمد خاتمی نام داشت، بحث درباره‌ی آینده‌ی سیاسی کشور و راهبرد مقبول برای گام دوم اصلاحات داغ بود. در همین زمان، در یک نظرسنجی که بین دانشجویان سه دانشگاه فنی تهران (علم و صنعت، صنعتی شریف و صنعتی امیرکبیر) انجام شد، از بین ۷۸ درصدی که گفته بودند در انتخابات شرکت می‌کنند، ۵۷ درصد به خاتمی رای می‌دادند. سؤال دیگر این نظرسنجی چنین بود: مجموعاً چه نمره‌ای به عملکرد چهارساله آقای خاتمی در بخش‌های مختلف می‌دهید؟ میانگین نمره‌ای که دانشجویان به کارنامه‌ی دولت اصلاحات دادند ۱۱/۸ بود. نمره‌ای که در دانشگاه و در بین دانشجویان معنای ویژه‌ای دارد: «قبولی مشروط».

جو کلی حاکم بر انجمن‌های اسلامی دانشجویان هم که چهارسال قبل اصلی‌ترین

۱. در صورتی که جناح مقابل، استراتژی برخورد با چند رانت خوار با شائبه‌های جناحی را در پیش گرفت مناسب‌ترین استراتژی اصلاح طلبان کدام است؟

نگارنده براساس مقدمات فوق پیشنهاد می‌کند:

۱. کابینه به صورت دسته‌جمعی استعفاء دهد، و آقای خاتمی کابینه‌ی جدیدی معرفی کنند که ویژگی اصلی آن شهرت داشتن وزراء به درستکاری مالی باشد.
۲. کابینه‌ی جدید استراتژی محافظه کاران را

کمتر از قیمت واقعی در کشور به وسیله‌ی دولت توزیع می‌شود که ۱۰ میلیارد دلار آن سوبسید انرژی است.

۲. به اعتقاد نگارنده حداقل ۸ میلیارد دلار از این سوبسید به صورت رانت در اقتصاد کشور توزیع می‌شود و تنها ۴ میلیارد دلار آن به واقع نصیب مردم می‌شود.

۳. راهکار در این باب حذف سوبسید کالا و خدمات و پرداخت معادل آن به صورت سوبسید مستقیم در غالب یک نظام تأمین اجتماعی جدید است.

- ساختار دولتی، تاجر خوبی نیست. دولت اگر بخواهد خرید و فروش کند همین است
- در صورتی که منابع تولید رانت از اقتصاد حذف نشود، چیز چندانی حل نخواهد شد
- تقلیل مبارزه با رانت خواری به چند رانت خوار، حذف صورت مساله است

راه حل نهایی

مطالب فوق را می‌توان به صورت ذیل جمع‌بندی کرد. منابع اصلی تولید رانت و فساد در کشور عبارتند از:

۱. تجارت خارجی دولتی؛
۲. تجارت خارجی سهمیه‌ای؛
۳. واردات غیر قانونی؛
۴. انحصار تولید و خدماتی داخلی؛
۵. کالاها و خدمات کمتر از قیمت واقعی.

به انتقاد نگارنده بیش از ۹۰ درصد رانت و فساد موجود در کشور به عوامل ۵ گانه فوق مربوط می‌شود. اگر بخواهیم فسادهای فوق را از اقتصاد کشور حذف کنیم چه باید انجام بدهیم؟

عضویت در WTO

عضویت در WTO ریشه همه مشکلات پنج‌گانه فوق را می‌خشکاند. راه‌حل قطعی عضویت در سازمان تجارت جهانی است.

بند مبارزه جدید با رانت خواری

۱. مبارزه‌ی قضایی با چند رانت‌خوار به شکلی که فعلاً قوه قضاییه انجام می‌دهد بدون ازیه یک راهکار عملی برای عضویت در WTO درست مثل این است که عکس مار را نشان مردم دهیم و از آن سؤال شود کدام مار است.
۲. تقلیل مبارزه با رانت‌خواری به چند رانت‌خوار، حذف صورت مساله است.
۳. حالا اگر در مبارزه با این چند رانت‌خوار، گزینشی نیز عمل شود و بخش‌های چنانچه هم در آن لحاظ شود، دیگر این برخوردهای جناحی در لباس و لهجه جدید است.

خنثا می‌کند.

۳. حمایت رسانه‌ای جناح اصلاح طلب از کسانی که به خاطر رانت‌خواری به دادگاه معرفی می‌شود مثبت ارزیابی نمی‌شود.

۴. استراتژی اصلاح طلبان در این باب باید دفاع از حقیقت باشد، حال هر نتیجه‌ای که می‌خواهد داشته باشد.

۵. سابقه جناحی افراد نباید در نوع «هدایت و حمایت (سانه‌ای)» لحاظ شود.

۶. در صورتی که مبارزه با رانت شکل قضایی پیدا کند، و بخشی از قوه مجریه نیز در مظان اتهام باشد، و مسئولان متهم نیز هم‌چنان در پست‌های اجرایی خود باقی بمانند، این فرآیند بخش اقتصادی دولتی را فلج می‌کند و امنیت سرمایه را تضعیف می‌کند.

۷. فلج شدن بخش اقتصادی دولتی یعنی فلج شدن دولت. این استراتژی به سقوط دولت خاتمی منجر می‌شود.

۸. آیا استراتژی جدید محافظه کاران چیزی بیش‌تر از این است؟

۹. بهترین استراتژی حمله به استراتژی رقیب است، یعنی استعفاء دسته‌جمعی کابینه. فرصت طلبان رانت‌خوار را باید از بدنه‌ی اصلاح طلبان تفکیک و جداسازی نمود. به این طریق اصلاح طلبان ابتکار عمل را در دست می‌گیرند.

۱۰. اصلاح طلبان باید خود ابتکار عمل در مقابله با رانت‌خواران را به دست گیرند. به دست گرفتن ابتکار عمل در این حیطة یعنی ارایه یک راهکار عملیاتی برای عضویت ایران در WTO.

حامی خاتمی محسوب می‌شدند، چندان با فضای عمومی دانشگاه تفاوت نداشت. در نشست نمایندگان انجمن‌های اسلامی عضو دفتر تحکیم وحدت که روز ۲۱ اردیبهشت ۸۰ برای تصمیم‌گیری درباره‌ی موضع انتخاباتی این دفتر در دانشگاه تربیت مدرس تهران تشکیل شد، پس از بحث‌های فراوان، حمایت از خاتمی در انتخابات به تصویب اکثریت حاضران رسید. ولی حمایتی مشروط و به شرح منشور انتخاباتی دفتر تحکیم، منشوری که به دلیل برهم خوردن جلسه و خروج اعتراض‌آمیز تعدادی از انجمن‌ها، هیچ‌گاه تدوین نشد.

نکته‌ی مشترکی که در بیشتر تحلیل‌ها درباره‌ی وضعیت جنبش دانشجویی ایران پس از چهار سال اصلاحات دیده می‌شود، تأیید وجود نوعی بی‌تفاوتی و دل‌زدگی و کناره‌گیری دانشجویان از عرصه‌ی سیاسی است. هر چند در عوض، برخی به گسترده شدن سایر عرصه‌های فعالیت دانشجویی مانند شوراهای صنفی، نشریات دانشجویی و گروه‌های فرهنگی و هنری اشاره می‌کنند. به‌خصوص که این گسترش، اکنون نیمه‌ی سابقاً خاموش دانشگاه‌های ایران را هم شامل می‌شود: دانشگاه آزاد اسلامی.

وضعیت کنونی جنبش دانشجویی، بخشی نتیجه و ادامه‌ی منطقی سیر حرکت این جنبش از سال‌های نخستین دهه‌ی شصت تاکنون است و بخشی ناشی از ماجراهایی که در چهار سال گذشته بر آن رفته است.

انجمن‌های اسلامی دانشجویان:

از ایدئولوژی نقاد تا نقادی ایدئولوژیک

روند فعالیت انجمن‌های اسلامی دانشجویان را (که عمده‌ترین گروه دانشجویی باقی مانده پس از انقلاب فرهنگی بودند) می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد. در نخستین دوره که تا پایان جنگ هشت ساله ادامه داشت، شاخص‌ترین عملکرد انجمن‌ها تسخیر سفارت آمریکا در تهران بود، که تأثیر عمده‌ای بر سیاست خارجی و داخلی کشور داشت. همین اثرگذاری، اعتماد به نفس اعضای انجمن‌ها را بالا می‌برد و باعث می‌شد آنان برای خود نقش مهمی در عرصه‌ی تصمیم‌گیری‌های کلان کشور قایل باشند. خط اصلی انجمن‌ها در این دوره، باز تولید ایدئولوژی رسمی در دانشگاه‌ها به شمار می‌رفت و آوانگارترین جریان فکری در آن، جریانی بود که با پشتوانه‌ی آثار دکتر علی شریعتی، از نوعی ایدئولوژی نقاد و عدالت‌خواه پیروی می‌نمود.

با پایان جنگ در سال ۶۷ و رحلت امام

خمینی در سال بعد از آن، فضای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی کشور تغییرات عمده‌ای کرد. روحانیون چپ‌گرای جوان جای خود را به روحانیت سالخورده و محافظه‌کار دادند و اقتصاد بسته‌ی دولتی و توزیعی زمان جنگ، با امواج توسعه‌ی اقتصادی دولت هاشمی، رسمیت یافتن خصوصی‌سازی و پیدایش مراکز خصوصی انباشت ثروت، عقب نشست. این فضای جدید، انجمن‌های اسلامی دانشجویان را نیز متأثر کرد. در دومین دوره‌ی فعالیت این تشکل‌ها که از سال ۶۸ تا ۷۳ به طول انجامید، در نبود رهبری کاریزماتیک به تدریج نگاهی انتقادی نسبت به ایدئولوژی حاکم پدید آمد و ریشه دواند.

در آخرین سال‌های دهه‌ی شصت، برخوردهای قهرآمیزی که با فعالان تحکیم صورت گرفت، نقطه عطف نمودار رشد نگاه انتقادی در بین آنان گردید. از جمله این برخوردها، برخورد شدید نیروی انتظامی در پی اعتراض عده‌ای از دانشجویان دانشگاه امیرکبیر به وضع خوابگاه و پس از آن بازداشت تعدادی از اعضای انجمن این دانشگاه بود. از سوی دیگر، جریانی که می‌کوشید با روی آوردن دوباره به روش‌های سال‌های نخستین انقلاب عنوان «دانشجویان پیرو خط امام» را احیا کند، پس از اشغال سفارت فلسطین در ابتدای دهه هفتاد، با برخورد سنگینی از سوی پلیس و نیروهای امنیتی روبه‌رو گردید و از عرصه کنار رانده شد.

در سال ۷۲ جمله‌ای از مقام رهبری درباره‌ی فضای سیاسی دانشگاه‌ها بر دیوار دانشگاه امیرکبیر نقش بست: «به صراحت بگویم، من وضعی را که امروز دانشگاه‌های ما دارند نمی‌پسندم». ایشان در این سخنرانی، کسانی را که فضای دانشگاه را غیرسیاسی کرده بودند لعنت کردند. با این جمله دوره‌ی سوم فعالیت سیاسی دفتر تحکیم وحدت آغاز گردید.

ماجرای «بند دال» و انتخابات سال ۷۳

در سال ۷۳، تصویب بندی در بودجه‌ی عمومی کشور که به دانشگاه‌ها اجازه می‌داد برای واحدهایی که دانشجویان دانشگاه‌های دولتی موفق به اخذ نمره‌ی قبولی (۱۲) نشده بودند، از آنان شهریه بگیرند، با موجی از اعتراضات دانشجویی روبه‌رو شد. دانشجویان گنجانده شدن این بند در بودجه‌ی کشور را نشانه‌ی رسیدن موج خصوصی‌سازی به دانشگاه‌ها می‌دانستند. اعتراضات سرانجام به نتیجه رسید و با فرمان مقام رهبری به مجلس، این بند از بودجه کشور حذف شد. جریان منتقد در دفتر تحکیم (به محوری دانشگاه‌هایی چون بشیراز، امیرکبیر و مشهد) با پیروزی در ماجرای «بند

دال» جایگاه مستحکم‌تری یافت. در همان سال (۷۳) پس از یک دوره آشفتگی تشکیلاتی، انتخابات شورای مرکزی دفتر تحکیم نیز برگزار گردید و افرادی چون فاضل عیبات، محمدحسن مقدس، علیرضا بابایی و فاطمه حقیقت‌جو (سه نفر اول از دانشگاه امیرکبیر) به شورای مرکزی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان سراسر کشور راه یافتند، تا چهره‌ی جدید دفتر تحکیم وحدت آشکار شود.

علیرضا سیاسی‌راد (دبیر سابق انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر) درباره‌ی دوران جدید اتحادیه چنین می‌گوید: «تا پیش از این دوران، جنبش دانشجویی یا ادامه‌ی بوروکراسی دولت و بازتولیدکننده‌ی ایدئولوژی رسمی بود، یا اگر هم نقدی به نظام سیاسی داشت، نقدی درون ایدئولوژی رسمی بود، کسی به ساختار و بنیان‌های آن کاری نداشت و همه تقریباً از

● وضعیت کنونی

جنبش دانشجویی، بخشی

ادامه‌ی سال‌های ۶۰

و بخشی نیز ناشی از

ماجرای چهار

سال اخیر است

الگوها و مدل‌های پیشنهادی حکومت تبعیت می‌نمودند. تا آن زمان بیش‌تر بحث بر سر آدم‌ها و جریاناتی بود که باید این سیاست‌های رسمی را اجرا می‌کردند. مهم‌ترین اتفاقی که در این زمان می‌افتد این است که نقدهای ساختارشکنانه نسبت به ایدئولوژی رسمی و مبانی مشروعیت نظام سیاسی آغاز می‌شود. سیاسی‌راد در این زمینه به تأثیر جریان روشنفکری دینی در بیرون از دانشگاه اشاره می‌کند: «آن‌ها نشان دادند ایدئولوژی رسمی چه نقطه ضعف‌هایی دارد». وی در مورد روند تغییر مطالبات دانشجویان در این دوران چنین می‌گوید: «جنبش دانشجویی در آن مقطع یک تغییر مطالبه عمده داد. مسأله‌ی عدالت (به معنای عدالت توزیعی و اقتصادی) از صدر مطالبات کنار رفت و مسأله‌ی آزادی و حکومت قانون و ایجاد نظام مردم‌سالار در صدر مطالبات قرار گرفت. آنچه بعدها به شکل مطالبات سازمان یافته در دوم خرداد بروز یافت (مانند آزادی بیان، جامعه مدنی، حقوق بشر و ...) از همان زمان به تدریج مسأله‌ی اصلی در دانشگاه‌ها شد.»

روایت دانشجویان از حکایت انتخاب خاتمی

اتفاقاتی که در سه سال ۷۳ تا ۷۶ افتاد، الگوی جدید جنبش دانشجویی را ترسیم کرد. قضیه‌ی سخنرانی دکتر سروش در سال ۷۴ در دانشکده‌ی فنی که با حمله‌ی گروه انصار به خشونت کشیده شد، در سال ۷۵ نیز به شکل مشابهی در دانشگاه امیرکبیر تکرار گردید. رقابت‌های انتخاباتی مجلس پنجم هم همان‌طور که فضای سیاسی کشور را دگرگون کرد و پایه‌ی خطبندی‌های سیاسی بعدی را گذاشت، بر دانشگاه‌ها و جنبش دانشجویی و آشتی دوباره‌ی آن با عرصه سیاسی بسیار مؤثر بود.

بعد از آن که ترکیب مجلس پنجم مشخص شد، نگاه‌ها متوجه انتخابات ریاست جمهوری در سال بعد از آن و یافتن کاندیداهای احتمالی (در غیبت هاشمی رفسنجانی) گردید. در بین اعضای انجمن‌های اسلامی، اولین کسی که مطرح شد رییس کتابخانه ملی نبود. در نشست تحکیم در کرمانشاه پیش‌تر نام میرحسین موسوی برده می‌شد و استدلال یکی - دو دانشگاه صنعتی تهران مبنی بر این که میرحسین وارد این عرصه نمی‌شود و اگر هم وارد شود امکان کار نمی‌یابد، توسط اکثریت پذیرفته نشد. ولی وقتی آخرین نخست‌وزیر تاریخ ایران رسماً اعلام کرد کاندیدای ریاست جمهوری نخواهد شد، اکثریت تحکیم هم به آن یکی دو دانشگاه پیوست. سیاسی‌راد درباره‌ی دلایل انتخاب خاتمی توسط دانشجویان می‌گوید: «مهم‌ترین مسأله، مسأله‌ی پذیرش مشروعیت رژیم سیاسی بر اساس رأی مردم بود. اصلی‌ترین بحث این بود که کاندیدای ریاست جمهوری باید کسی باشد که رسماً اعلام بکند مشروعیت نظام سیاسی با رأی مردم است و به تبعات ناشی از پذیرفتن گفتمان روشنفکری دینی بعد از دهه هفتاد پایبندی نشان بدهد.»

نخستین جایی که سیدمحمد خاتمی به‌طور جدی به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری مطرح شد، میتینگی در دانشگاه صنعتی شریف بود. اعضای آن زمان تحکیم در خاطرات‌شان از آن روزها، تعریف می‌کنند که چگونه چند شب خوابیدند و تمام خیابان‌های تهران را از پوستره‌های این میتینگ پر کردند.

در آن زمان گروه‌هایی مانند مجمع روحانیون مبارز و کارگزاران سازندگی، بر سر انتخاب خاتمی به‌عنوان کاندیدای مشترک اجماع نداشتند و چهره‌های دیگری مانند کروی، محتشمی، سیدهادی خامنه‌ای و محمد هاشمی، خود را در رتبه‌ی بالاتری برای کسب این عنوان



بعدها مقاله‌نویسان روزنامه «جامعه» آن‌ها را «اصلاح طلب» نامیدند - به عرصه‌ی قدرت، جنبش دانشجویی دوباره با رشته‌هایی به این عرصه مربوط گردید.

مسعود معینی هم‌صدایی (از فعالان دانشجویی) در این باره می‌گوید: «تحکیم وارد سیستم سیاسی شد، شروع کرد به شرکت در رقابت‌های انتخاباتی و معرفی کاندیدا. در انتخابات شوراها و نیز در انتخابات مجلس ششم، دفتر تحکیم کاندیداهای اختصاصی داشت. آفت‌های این امر هم بسیار زیاد بود». به عقیده‌ی وی، امروز دعوی تحکیم دعوی قدرت است. سیاسی‌راد هم نظر مشابهی دارد: «بعد از دوم خرداد جنبش دانشجویی دوباره ایدئولوژیک شد» وی منظور خود از ایدئولوژیک شدن را چنین توضیح می‌دهد: «ایدئولوژی همه‌ی عرصه‌ها را در راستای کسب قدرت و دستیابی به یک آرمان شهر سازماندهی می‌کند» دبیر سابق انجمن پلی‌تکنیک از «ایدئولوژی جامعه‌مدنی» نام می‌برد: «بعد از دوم خرداد، هژمونی اصلاحات از روشنفکران به سیاسیون منتقل شد و منازعات عرصه‌ی باللیتی به تمام عرصه‌های دیگر تسری یافت. تقاضای مطالبات به حوزه‌ی سیاست فرو کاسته شد و به این معنا بسیاری از عرصه‌ها (مانند عرصه‌ی مطبوعات، عرصه‌ی اقتصادی، جنبش دانشجویی و حتی سینما و موسیقی و مانند آن‌ها) ایدئولوژیک شدند، این بار با ایدئولوژی سلف‌پسندی به نام «ایدئولوژی جامعه‌مدنی» وی در پی نتایج ورود جنبش دانشجویی به عرصه‌ی باللیتی می‌گوید: «جنبش دانشجویی با تقلیل مسائلی که حوزه سیاسی، از بسیاری حوزه‌های دیگر غافل

می‌دیدند. ولی با حمایت یک‌پارچه دانشجویان و نیز همکاران حجة الاسلام خویی‌ها در روزنامه سلام از خاتمی، در اوایل سال ۷۶ تردیدها پایان یافت و وزیر سابق ارشاد عازم سفرهای انتخاباتی به گوشه و کنار کشور شد.

رجعت به قدرت

اعلام نتیجه‌ی انتخابات ریاست جمهوری بسیاری را متعجب کرد، و بیش از همه خود سیدمحمد خاتمی و هوادارانش را غافلگیر ساخت. با وجود حجم وسیع تبلیغاتی که علی‌اکبر ناطق نوری را نامزد رسمی نظام برای دور جدید ریاست جمهوری معرفی می‌نمود، هیچ‌کس تصور نمی‌کرد این جامعه عاقبت بر تن روحانی میانه‌رو و معتدل عضو مجمع روحانیون مبارز راست شود. بسیاری از آنان که در ستادهای انتخاباتی سیدمحمد خاتمی فعالیت می‌کردند، بیش‌ترین امید و انتظاری که داشتند استفاده از فضای بازتر پیش از انتخابات و ایجاد سازمان یا حزبی در سطح ملی برای پی‌گیری مطالبات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آزادی‌خواهانه و مردم‌سالارانه در سال‌های پیش رو بود. به نظر می‌رسید خود خاتمی هم انتظار بیش‌تری ندارد و در همان روزها، درخواست مجوز انتشار ماهنامه‌ای را به وزارت ارشاد داده بود.

ولی تاریخ به گونه‌ی دیگری رقم خورد و ظهر روز شنبه سوم خرداد ۷۶، صدای جمهوری اسلامی ایران در بخش خبری ساعت ۱۴ پیام تبریک ناطق‌نوری به سیدمحمد خاتمی را پخش نمود. شادمانی دانشجویان و فضای دانشگاه در آن روز وصف ناشدنی بود. با راه یافتن اطرافیان آقای خاتمی - که

● جنبش دانشجویی با تقلیل مسایل به حوزه‌ی سیاسی، از حوزه‌های دیگر غافل ماند

● ظهور یک باره‌ی محمد محسن سازگارا در نقش داوطلب ریاست جمهوری و اقبال

دانشجویان به وی برای اصلاح طلبان پیام آشکاری داشت

مانند؛ از آن جمله است مسایلی مانند مسأله‌ی آموزش و همچنین مسایل داخلی و صنفی دانشجویان». او می‌افزاید: «ما هزینه‌های عمل سیاسی سازمان یافته و حرفه‌ای را پرداختیم. در حالی که توان و ابزارهای لازم برای این نوع عمل سیاسی (منابع ثروت و قدرت و منزلت) را نداشتیم تا این هزینه‌ها را کاهش دهیم» هزینه‌هایی که این فعال دانشجویی از آن یاد می‌کند، در طول چهار سال اصلاحات اندک نبود.

از ۱۸ تیر تا ۱۸ خرداد:

«آرامش فعال» یا «ناآرامی منفعل»؟

پس از دوم خرداد ۷۶، تا دو سال عرصه‌ی سیاسی کشور یک‌سره در اختیار جنبش اصلاحات بود. فضای باز سیاسی و مطبوعاتی آن سال‌ها را شاید تنها بتوان با سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب مقایسه نمود. در همین فضا شماری از مهم‌ترین دست‌آورد‌های جنبش (مانند مطبوعات مستقل و حرفه‌ای، برگزاری انتخابات شوراهای شهر و روستا، پی‌گیری قتل‌های زنجیره‌ای و اعلام وجود محفلی خودسر در وزارت اطلاعات) حاصل شد. از اوایل سال ۷۸، جناح رقیب ابتکار عمل را به دست گرفت. مجلس پنجم تحت تأثیر محافظه‌کاران طرح اصلاح قانون مطبوعات را در دستور کار خود قرار داد. روزنامه سلام هم با انتشار نامه‌ای از سعید امامی که نشان می‌داد این طرح از ایده‌های وی بوده است، توسط دادگاه مطبوعات توقیف شد. توقیف سلام اعتراض و راهپیمایی عده‌ای از دانشجویان خوابگاه‌های ساکن کوی دانشگاه تهران را در پی داشت.

دکتر غلامرضا ظریفیان - معاون وقت وزیر علوم و عضو کمیته تحقیق شورای عالی امنیت ملی - درباره‌ی این واقعه چنین می‌گوید: «در گزارش کمیته‌ی تحقیق مشخص شد که تعدادی از افراد نیروی انتظامی و تعداد دیگر از افراد لباس شخصی تحت عنوان «نوبو» وارد کوی شده‌اند و نیروی انتظامی حداقل شروع کار را پذیرفته است» به رغم گزارش کمیته‌ی تحقیق، هیچ‌یک از افرادی که از آن‌ها با عنوان «لباس شخصی‌ها» نام برده می‌شد شناسایی و محاکمه نشدند. ظریفیان ادامه می‌دهد: «من معتقدم محفلی که وابسته به نیروهای رسمی کشور

شدن این نشست گردید. هر چند در جریان جمله این دانشجویان بودند که مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و نشست قانونی‌شان بر هم خورد، ولی سرانجام نیز همان دانشجویان به دادگاه رفتند و حکم زندان گرفتند.

بهار و تابستان ۷۹، فصل‌های خوبی برای جنبش اصلاحی نبود. انعکاس این امر را می‌شد در فضای بی‌طراوت ترم جدید دانشگاه در پاییز آن سال دید. حاصل این فضا، تجمع دانشجویان دانشگاه‌های تهران در دانشگاه امیرکبیر در اعتراض به «انسداد سیاسی» بود. وقتی دادگاه انقلاب دو سخنران این تجمع (عزت‌الله سبحانی و علی افشاری) را به جرم اقدام علیه امنیت ملی بازداشت کرد، دانشجویان یک‌سره از سیاست «آرامش فعال» که از سوی برخی تشکل‌های سیاسی به عنوان راهبرد اصلاحات پیشنهاد شده بود، دل بریدند.

با نزدیک شدن به موعد انتخابات ریاست جمهوری، فضای سیاسی کشور نیز ملتهب‌تر می‌شد. بازداشت گسترده‌ی فعالان ملی - مذهبی در آستانه‌ی سفر رئیس‌جمهوری به مسکو و تعطیلی نشریات در آخرین هفته‌ی سال ۷۹، تعطیلات نوروز را به کام بسیاری (از جمله دانشجویان فعال در انجمن‌ها) تلخ کرد. نخستین برنامه‌ی سیاسی سال جدید در دانشگاه‌ها، تجمعاتی با عنوان «اعتراض به شکل‌گیری اختناق ملی» بود که به‌طور هم‌زمان در ده‌ها دانشگاه صنعتی تهران و چند دانشگاه در شهرستان‌ها برگزار شد.

در آستانه‌ی انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری، در بین کاندیداهای مطرح، ناگهان چهره‌ای ظهور کرد که توانست در مدتی کوتاه حمایت بخش آوانگارد جریان دانشجویی را کسب کند. محمد محسن سازگارا، پیش از آن که در نقش داوطلب ریاست جمهوری ظاهر شود در جمع دست‌اندرکاران نشریه کیان و روزنامه جامعه نقش فعالی داشت. ظهور یک‌باره این چهره و اقبال بخشی از دانشجویان به وی، برای اطلاع‌طلبانی که در چهار سال گذشته نتوانسته بودند به بسیاری از شعارهای‌شان عمل کنند پیام آشکاری داشت. هر چند با رد صلاحیت سازگارا توسط شورای نگهبان، او نتوانست به عنوان رقیبی برای خاتمی وارد صحنه‌ی انتخابات شود.

پخش مصاحبه‌ای با علی افشاری از صدا و سیما که در آن وی (پس از پنج ماه بازداشت در سلول انفرادی) از عملکرد گذشته خود ابراز ندامت می‌کرد، امتیاز منفی دیگری برای نهادهای قدرت در ذهن دانشجویان ثبت کرد. مصاحبه‌ای که وی در بهمن ۸۰ (پس از تحمیل

نیست و جریانی مانند قتل‌های زنجیره‌ای را سامان می‌دهد، سایه‌اش در حادثه‌ی کوی نیز دیده می‌شود و نوع حضور نیروهای شخصی و هماهنگی آن‌ها با برخی از نیروهای انتظامی مبین این امر است که سناریویی از قبل تدوین شده بود که حتی نیروی انتظامی در آن گرفتار و ایفای نقش نموده است.»

حادثه‌ی کوی، هزینه‌های دیگری را هم به دانشگاه تحمیل کرد. عده‌ای از دانشجویان دانشگاه‌های مختلف پس از این حادثه دستگیر شدند و به دادگاه رفتند و یکی از آنان (احمد باطبی) به خاطر انتشار عکسی از وی در نشریات خارجی، تا پای میز اعدام هم برده شد. هنوز سه ماه از حمله به کوی دانشگاه نگذشته بود که موج دیگری بر ضد دانشجویان به راه افتاد. این بار دستمایه‌ی حمله به دانشگاه، انتشار نمایشنامه‌ی در نشریه دانشجویی موج (تحت پوشش انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر) بود و به دستگیری و محاکمه چهار نفر از اعضای این انجمن انجامید.

انتخابات مجلس ششم در آخرین ماه سال ۷۸ با پیروزی چشم‌گیر اصلاح‌طلبان پایان یافت. شکست‌آورترین نتیجه‌ی این انتخابات، نزول رئیس‌جمهوری سابق به رتبه‌ی سی‌ام فهرست متخبران مردم تهران بود. این شگفتی برای جبهه اطلاع‌طلب بسیار گران تمام شد. در اردیبهشت ۷۹ و هم‌زمان با کشمکش وزارت کشور و شورای نگهبان بر سر اعلام نتیجه انتخابات مجلس (که ممکن بود به ابطال آرای مردم تهران منجر شود) قوه قضاییه در اقدامی بی‌سابقه بیش از بیست روزنامه و نشریه را یکجا توقیف کرد. اندکی بعد، شرکت چند شخصیت اصلاح‌طلب در کنفرانسی در برلین، دستمایه‌ی جنجال تازه‌ای گردید و برای آنان پرونده‌ای در دادگاه انقلاب گشوده شد. یکی از کسانی که در این پرونده به زندان افتاد، علی افشاری (دبیر انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر و مسئول واحد سیاسی دفتر تحکیم وحدت) بود، که نزدیک به یک ماه در بازداشت ماند. مدت زیادی از آزادی افشاری با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی نگذشته بود که حادثه دیگری نام دفتر تحکیم را به صفحه نخست روزنامه‌ها کشاند. این بار، حمله‌ی گروه انصار به نشست دفتر تحکیم در خرم‌آباد باعث به خشونت کشیده

یک سال بازداشت موقت و در شرایطی که با حکم قلمی دادگاه هر لحظه ممکن بود برای تحمل دوباره‌ی یکسال زندان فراخوانده شود) از فشارهای سخت جسمی و روحی برای انجام گرفتنش پرده برداشت.

حکم دادگاه نظامی تهران درباره‌ی عاملان جنایت کوی در تیرماه ۸۰، مانند لبخند تلخی بر چهره خسته‌ی جنبش دانشجویی ایران نشست. به گفته‌ی وکیل دانشجویان آسیب دیده در کوی، دادگاه در حکم خود واقع شدن جنایت را پذیرفت، ولی کسی را به عنوان جانی معرفی و مجازات ننمود و حکم بر پرداخت خسارات از بیت‌المال داد. سال قبل هم در اولین سالگرد حمله به کوی، دادگاه محاکمه‌کننده فرماندهان نیروی انتظامی همه‌ی آنها را تبرئه کرد و تنها عروجعلی ببرزاده به اتهام سرقت یک ریش تراش به سه ماه زندان محکوم گردید.

● دانشجویان چندان به اصلاحات

امیدوار نیستند و بسیاری از آنها

نسبت به عرصه‌های سیاسی نوعی

حالت بی تفاوتی پیدا کرده‌اند ●

پس از معرفی دولت دوم خاتمی، از اواخر تابستان ۸۰ فشار بر دانشجویان شدت بیش‌تری گرفت. احضار و دستگیری گسترده فعالان انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های مختلف از یکسو و ایجاد درگیری‌های داخلی و زمینه‌ی انشعاب دفتر تحکیم از سوی دیگر، روندی را ساخت که تاجرنیا (نماینده‌ی مردم مشهد در مجلس) گفت از آن «بوی انتقام به مشام می‌رسد».

در عرصه‌های دیگر

نه صحنه‌ی سیاسی تنها عرصه‌ی فعالیت دانشجویان بود و نه دفتر تحکیم وحدت تنها گروه دانشجویی. با وجود سرخوردگی و انفعال سیاسی در دانشگاه‌ها، در روند فعالیت آنها وقفه‌ای (از نوع آنچه در انقلاب فرهنگی اتفاق افتاد) پیش نیامد و در دانشگاه‌ها «زندگی ادامه داشت». در این دوره، شوراهای صنفی دانشجویان که پیش از آن تنها در چند دانشگاه پایتخت فعال بودند، در بیش‌تر دانشگاه‌های کشور پا گرفتند و نشریات دانشجویی کشور به بالاترین تیراژ تاریخ‌شان رسیدند. در این دوره

بزرگ‌ترین دانشگاه غیردولتی کشور هم شاهد فضای محرم‌تری بود.

دانشگاه آزاد اسلامی

در حالی که پس از ۱۸ تیر دانشگاه‌های دولتی (به‌خصوص در تهران) نوعی رکود عمومی را تجربه می‌کردند، تشکل‌های دانشجویی دانشگاه آزاد در دو سال پایانی دولت اول خاتمی اندک - اندک فعال شدند. مدیران دانشگاه آزاد از آغاز تشکیل این دانشگاه در دهه‌ی شصت، شرایط سختی برای فعالیت‌های دانشجویی وضع کرده بود و دانشجویانی که می‌خواستند گروه‌های دانشجویی در این دانشگاه تشکیل دهند با برخوردهایی تا حد اخراج از دانشگاه مواجه می‌شدند. ولی در شرایط پس از دوم خرداد، به نظر می‌رسد مدیریت این دانشگاه (که از نظر سیاسی هماهنگ با جناح محافظه‌کار عمل می‌کرد) با دادن امتیازهایی به دانشجویان و کسودن فضای این دانشگاه برای فعالیت جمعی دانشجویی، در پی کسب آرای سیاسی دانشجویان است. حضور فرزندان برخی از شخصیت‌های شناخته شده جناح راست در بین مؤسسان تشکل‌های عمده (مانند کانون‌های دانشجویان) و نزدیکی آنها با گروه‌هایی چون بسیج دانشجویی و جامعه اسلامی دانشجویان و نیز تلاش برای جلب حمایت این تشکل‌ها به نفع آقای جاسبی در انتخابات ریاست جمهوری، این نظر را تأیید می‌کند.

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد فشار تغییرات فرهنگی در فضای دانشگاه‌های آزاد دیگر با روش‌های پیشین قابل مهار نیست. دیگر در این دانشگاه کسی به دنبال جدا کردن مسیرهای رفت و آمد دختران و پسران نیست و به روابط دوستانه بین آنها دیگر با چشم‌های مظنون نگریسته نمی‌شود. چهره‌گشا، عضو بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد در این باره می‌گوید: «ما وضعیت کنونی را پذیرفته‌ایم و به جای برخوردهای قهرآمیز، تلاش می‌کنیم چهره‌ی پذیرفتنی و بهتری از خود به دانشجویان نشان بدهیم».

تأسیس دانشگاه آزاد را می‌توان گامی به‌سوی مدرنیته در ایران دانست. گستردگی جغرافیای زیاد این دانشگاه، نقش مهمی در تغییر فضای سنتی بسیاری از مناطق کشور داشت. حضور انبوه دانشجویان در شهرهای کوچک علاوه بر آن‌که رونق اقتصادی ایجاد می‌کرد و متوسط سواد عمومی را بالا می‌برد، به گسترش طبقه‌ی متوسط هم کمک می‌کرد. با گسترش طبقه‌ی متوسط، میل به مشارکت

سیاسی هم افزون می‌شد و همین فزونی، شعار اصلی اصلاح‌طلبان نیز بود.

خبرگزاری دانشجویان (ایسنا)

رخداد دیگری که در بررسی روند فعالیت‌های دانشجویی در چهار سال اخیر نمی‌تواند نادیده گرفته شود، تأسیس خبرگزاری دانشجویان ایران است. این خبرگزاری با استفاده از شعبه‌های فراوان جهاد دانشگاهی در دانشگاه‌های سراسر کشور و با سازمان‌دهی تعداد زیادی از دانشجویان در کسوت خبرنگار افتخاری، توانست در زمانی کوتاه به یکی از منابع مهم خبری کشور تبدیل شود و با خبرگزاری رسمی و پرسابقه‌ی کشور رقابت نماید. هر چند جهاد دانشگاهی را نمی‌توان یک تشکل دانشجویی دانست و از نظر سازمانی رییس آن منصوب مقام رهبری است، ولی در عمل خبرگزاری دانشجویان توانسته نقشی هم‌پا یا حتی پیشروتر از تشکل‌ها و نشریات دانشجویی ایفا کند. در روزهایی که مطبوعات زیر نگاه ریزبین قاضی شعبه ۱۴۱۰ مدام با دلهره‌ی توقیف موقت و لغو امتیاز روزگار می‌گذراندند، گزارش‌های خبری ایسنا بسیاری اوقات مرز اخبار قابل انتشار در آنها محسوب می‌گردید. از سوی دیگر انعکاس اخبار فعالیت‌های دانشجویی توسط این خبرگزاری، خلا ناشی از نبود یک سازمان دانشجویی فراگیر برای برقراری ارتباط بین این فعالیت‌های پراکنده را تا حدودی پر می‌کرد.

شوراهای صنفی و نشریات دانشجویی

در سال ۷۷ دو آیین‌نامه مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی برای اجرای آزمایشی به دانشگاه‌های کشور فرستاده شد: یکی برای نشریات دانشجویی و دیگری برای شوراهای صنفی. یک‌سال بعد، در پاییز ۷۸ نسخه‌ی نهایی این دو آیین‌نامه برای اجرا به رؤسای تمام دانشگاه‌ها ابلاغ شد. هر چند دانشجویان فعال در این دو بخش انتقادات بسیاری بر این آیین‌نامه‌ها داشتند و حتا در دانشگاه امیرکبیر، شوراهای صنفی از پذیرفتن آیین‌نامه‌ی ابلاغی سر باز زدند، ولی قانون‌مند شدن این عرصه‌ها به خودی خود نقش مثبتی در گسترش آنها داشت. هر چند آمار دقیقی از تعداد نشریات دانشجویی در دست نیست، ولی برآوردها نشان می‌دهد در کل دانشگاه‌ها در حال حاضر نزدیک به پنج هزار نشریه (که حداقل یک شماره منتشر شده‌اند) وجود دارند. تیراژ این نشریات و تعداد افراد فعال در آنها، ارقام چشم‌گیری را نشان خواهد داد.



هم با اصلاح طلبان دارند.» به گفته وی بحث درباره‌ی کتاب‌های دکتر شریعی و نظایر آن کم‌تر شده و در عوض موضوع‌هایی مثل حقوق زنان و بحث‌های معرفتی با اقبال روبه‌رو شده‌اند.

چشم‌انداز

سمت و سوی جنبش دانشجویی ایران در سال‌های آتی چگونه خواهد بود؟ بسیاری از لزوم متکثر شدن شکل‌های دانشجویی سخن می‌گویند. مسعود معینی معتقد است «یکی از پیام‌های ۱۸ تیر این بود که دفتر تحکیم حداکثر ۲۰ درصد از دانشجویان را نمایندگی می‌کند و در مواقع بحرانی، شاید بتواند حداکثر ۵ درصد از آن‌ها را هم قانع کند».

علیرضا سیاسی‌راد معتقد است: «استقلال دانشگاه‌ها بحث مهمی است که باید جنبش دانشجویی به آن بیش‌تر بپردازد. تصحیح آیین‌نامه‌های دانشجویی، پایان دادن به مناسبات غیردموکراتیک در نحوه‌ی اداره و مدیریت دانشگاه‌ها و تلاش برای ایجاد حوزه عمومی در دانشگاه، از مسایل مهم صنفی دانشجویی است. ما باید به دانشگاه برگردیم، در غیر این صورت هر تحولی هم که در حوزه‌ی سیاسی رخ دهد، اثری در روند کار دانشگاه‌ها در راستای کارکرد ویژه‌ی آن‌ها نخواهد داشت».

علی افشاری جنبش دانشجویی را دچار ناتوانی در حوزه‌ی تئوریک می‌داند و می‌گوید: «داشته‌های سابق جنبش دانشجویی، کارآیی خود را از دست داده‌اند و باید به یک تولید جدید فکری برسند. هم‌چنین کارکرد حزبی و ورود به حوزه‌ی قدرت و ساخت سیاسی به عنوان بازیگر، لطماتی را به این جنبش زده که بخشی از مشکلات فعلی دفتر تحکیم، تبعات ناخواسته‌ی آن رویکرد است و وداع با کارکرد حزبی در آینده، بخش عمده‌ای از این اختلافات را حل می‌کند.» وی انجمن‌های اسلامی را تنها پناهگاه فعلی نیروهای مستقل دانشجویی در داخل دانشگاه‌ها می‌داند و می‌افزاید: «برای همین، انتظارات به داخل تحکیم سرریز شده و چون ساختار دفتر تحکیم چنین قابلیت‌هایی را ندارد، بار اضافی را بر این دفتر ایجاد کرده است. ایجاد شکل‌های دیگر و نهادی که بتواند به شکل فراگیر، دانشجویان را هدایت کند، برای عبور از این نابه‌سامانی کمک خواهد کرد.» افشاری تشکیل پارلمان دانشجویی را برای آینده‌ی جنبش دانشجویی، بسیار لازم و ضروری می‌داند.

امیرحسین بلالی، عضو دیگر شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت نیز معتقد است جنبش دانشجویی باید از حوزه‌ی پالیسی خارج

جدول شماره ۴: تقسیم‌بندی موضوعی

عنوان	تعداد نشریه در صدج*	در صدکل
صنفی - دانشجویی	۳۶	۲۰/۲۵
دکتر شریعی	۱۹	۱۰/۵۵
آزادی بیان	۱۸	۱۵/۱۳
جامعه‌مدنی	۱۳	۷/۷۸
زنان	۱۳	۷/۷۸
اقتصادی	۱۲	۶/۶۶
گفت‌وگوی تمدن‌ها	۷	۳/۸۸

* در صد‌های آرایه شده در این ستون، از تعداد ۱۱۹ نشریه‌ای است که زمینه انتشار آن‌ها سیاسی - فرهنگی - اجتماعی، فرهنگی - اجتماعی، صنفی - اجتماعی و علمی - فرهنگی بوده است.

معینی، کارشناس پژوهش و بررسی نشریات خانه نشریات دانشجویی وزارت علوم، عقیده دارد بعد از صدور احکام عاملان حادثه‌ی کوی نوعی سرخوردگی در حوزه‌ی نشریات دانشجویی ایجاد شده است. وی هم‌چنین از تغییر حوزه‌ی فعالیت نشریات دانشجویی سخن می‌گوید: «در سال گذشته حدود ۴۰۰ عنوان نشریه در حوزه فرهنگی و در مقابل نزدیک به ۵۰۰ نشریه در حوزه سیاسی منتشر می‌شد. در حالی که امسال در مقابل ۸۰۰ عنوان نشریه فرهنگی، تعداد نشریات سیاسی بیش از ۶۰۰ عنوان نیست. شاید خیلی‌ها یاد گرفته‌اند که حرف‌های سیاسی‌شان را در قالب فرهنگی بزنند.» معینی به افزایش تعداد نشریاتی که توسط انجمن‌های علمی منتشر می‌شوند و نیز نشریات غیر سیاسی (مانند انجمن‌های محیط‌زیست، مبارزه با مواد مخدر و انجمن‌های خیریه) اشاره می‌کند و می‌گوید: «بخشی از اقبال به این قبیل نشریات ناشی از فضایی است که برای جمع شدن دانشجویان گرد هم به دور از خطرپذیری‌ها و ریسک‌های کار سیاسی ایجاد می‌کنند. متأسفانه در سال‌های اخیر هزینه‌ی کار سیاسی به حوزه‌های فرهنگی هم کشیده شده است و قوه‌ی قضاییه خارج از چارچوب آیین‌نامه‌های نشریات دانشجویی با آن‌ها برخورد می‌کند».

این کارشناس خانه‌ی نشریات دانشجویی، درباره‌ی محتوای نشریات فرهنگی می‌گوید: «از لایه‌های عمیق نوشته‌ها به نظر می‌رسد چیزهای به‌ظاهر مقدس دارند کم‌رنگ می‌شوند، هم در حوزه‌ی متافیزیک و هم در حوزه‌ی امور واقع، نتیجه‌ی این امر، عرفی شدن عرصه‌های فکری و اجتماعی دانشجویی است» معینی می‌افزاید: «در سال‌های اخیر بحث قومیت‌ها به‌طور جدی در نشریات دانشجویی مطرح می‌شود و بخشی از آن‌ها بیش‌ترین مشکل را

شود. وی درباره‌ی عوارض ورود جنبش دانشجویی به این حوزه می‌گوید: «شکاف‌های عقیدتی در مجموعه دانشجویی پس از مدتی تبدیل به شکاف بر سر قدرت می‌شود و در مجموعه دانشجویی فراکسیون‌هایی شکل می‌گیرد. با نگاه به مسایل مربوط به دفتر تحکیم وحدت به وضوح به این مطلب پی می‌بریم، تا پیش از این که این دفتر وارد عرصه‌ی قدرت شود مناقشه دانشجویان بر سر مسایل عقیدتی بود ولی پس از این که جنبش دانشجویی به عرصه‌ی قدرت نزدیک شد، عملاً شکاف‌های مجموعه به حوزه‌های دیگری انتقال یافت.»

ولی عده‌ای هم نگاه خوشبینانه‌ای به وضعیت دانشگاه‌ها ندارند. امین چاروسه (عضو سابق انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر) می‌گوید دانشجویان چندان به اصلاحات امیدوار نیستند و بسیاری از آن‌ها نسبت به عرصه‌ی سیاسی نوعی حالت بی‌تفاوتی پیدا کرده‌اند. وی احتمال می‌دهد آن چه در پایان دوره‌ی دوم ریاست جمهوری برای هاشمی رفسنجانی اتفاق افتاد، درباره‌ی خاتمی هم تکرار شود: «در سال ۶۸ وقتی هاشمی کاندیدا شد، بسیاری از گروه‌ها، از جمله روشنفکران او را به عنوان چهره‌ای معتدل می‌شناختند و با انتخاب او به ریاست جمهوری، به گشایش فضای سیاسی و اجتماعی کشور امیدوار شدند.» چاروسه معتقد است «فرصت‌هایی که در ایران به‌وجود می‌آیند معمولاً فرصت‌های انتخاباتی است و دانشجویان در اولین فرصت انتخاباتی، رفتاری بر خلاف آن چه پیش‌بینی می‌شود بروز خواهند داد.»

اظهارنظرهای فراوان و مختلف (و گاه متناقضی) که در مورد جنبش دانشجویی می‌شود و پیش‌بینی‌هایی که در مورد آینده‌ی آن انجام می‌گیرد، هرچند شاید قابل جمع‌بندی و نتیجه‌ی کلی نباشد، ولی نشان می‌دهد این جنبش، با جمعیت میلیونی اعضایش، به هر راهی که برود تأثیر فراوانی بر آینده‌ی فضای سیاسی و اجتماعی کشور خواهد داشت.